

آینه

یادداشت: «مثل خورشید می‌درخشد»؛

صادق چنان صفت هیچ نیروی سیاسی و نهادینه‌شده‌ای نمی‌تواند توانایی‌های کسب‌وکار در ایران بزرگ را نادیده بگیرد.
قلیم مناسبه سرزمین پهلوار، نیروی انسانی سرورزیده و تحصیلکرده (در مقایسه با کشورهای همسایه و منطقه) منابع غنی نفت و گاز، مس و… مصرف‌کنندگانی با نواوهای گسترده در گروه‌های اجتماعی و بازارهای بالنده در همسایگی چیزهایی نیستند که به چشم رهبران غول‌های بزرگ اقتصادی نیایند و آنها به‌سادی از کُتر آن عبور کنند. این توانایی‌های ذاتی ایران بزرگ است که رهبران داووس را ناچار می‌کند پس از هشت‌سال نادیده‌گرفتنش، دوباره از رییس دولت ایران دعوت کنند تا در مراسم افتتاحیه این مهم‌ترین گردهمایی اقتصاد سخنرانی کند. حضور پرشمار غول‌های نفت و گاز جهان در پیرامون رییس‌جمهور ایران و چندباره گویی کارشناسان رسانه‌های معتبر جهانی از اشتغال غول‌ها‌برای حضور در ایران، این ادعا که ایران، بزرگ و ولید است را تایید می‌کند. گروهی هم هستند که شوربخانه باید گفت توانایی دیدن توانایی‌های این آب‌وخاک را ندارند و منافع کوچک و حقیر خود را بر این کشور تحمیل می‌کنند.

اطلاعات

سر مقاله: «طلوعی دوباره»؛ علیرضا خانی

اجلاس داووس را قطب تصمیم‌گیری برای اقتصاد کلان جهان می‌دانند. به نظر می‌رسد، رییس‌جمهوری ایران، پس از سال‌ها انتظار، استراتژی جدیدی را برای تعامل و استفاده از پیشرفت‌های بشری– که حق ملت ایران است– بی‌افکنده است. پیشنهاد خرید بخشی از مالکیت شرکت‌های بزرگ خودروسازی ایرانی توسط خودروسازان بزرگ جهان، گامی عملی و عینی برای توسعه و تکامل صنعت نه‌چندان موفق خودروسازی داخلی است. چنانچه سخنان رییس‌جمهوری در اجلاس داووس از پشت‌نواشه اجرایی بر خوردار شود و به‌ویژه چرخ حرکت استراتژی دولت جدید، از جوب مخالفان داخلی دولت در امان بماند و آنان که شرایط تاسف‌بار قبلی را با منافع خود همگون و هم‌رستا می‌دانند، بر سر راه دولت و مردم ملت سنگلاخ نگسترانند، آنگاه می‌شود کلاما امیدوار بود که اقتصاد ایران، از پس سال‌ها انتظار، در آستانه قرار گرفته است.

کیمت

سر مقاله: «کودتا و ضدکودتای حقوقی در «ژنو۲»»؛ سیدالله زارعی

آمریکا در اجلاس «ژنو۲» تلاش می‌کند تا بعنوان قلم‌مقام شورای امنیت سازمان‌ملل ظاهر شود بر این اساس آمریکا همه اعضای دایم و موقت شورای امنیت را به این اجلاس فراخوانده و علاوه بر آن حدود ۶۰کشور دیگر که اکثریت قاطع آنان با برنامه آمریکا برای نقل‌وانتقال سیاسی در سوریه موافقت را کرده‌جمیع کرده است تا با یک قیام و وقود آمریکایی، «دولت جدید» را با صلاحیت کسل» را در «ژنو۲» اجرایی کند، به عبارت دیگر آمریکا در ژنو درصدد است کاری را که به دلیل مواجهشدن با حق وتوی روسیه و چین نمی‌تواند انجام دهد، در یک چارچوب حقوقی خودساخته به نتیجه برساند و این درواقع یک کودتای حقوقی است که اگر به نتیجه برسد می‌تواند به یک هتاجر جدید حقوقی تبدیل شده و استقلال، امنیت، تمامیت ارضی و آرامش کشورها و ملت‌ها را در معرض خطر جدی قرار دهد.

سارت

سر مقاله: «فرار غرب از صور تبندی بحران سوریه»؛ حنیف غفاری

نوع چنینش طرف‌های منازعه در نشست «ژنو۲» با حقایق و واقعیات جاری در سوریه و خاورمیانه ناسازگار است. از این‌رو تحلیلگران مسایل بین‌الملل ملی‌ها و هفتنه‌های اخیر در دسر چندی برای پیش‌بینی شکست چنین نشست بی‌فایده‌ای ندانسته‌اند.
سرنوشت «سوریه» باید به دست خود ملت سوریه تعیین شود. از این‌رو همه‌اکنون اصلی‌ترین وظیفه دلسوزان واقعی ملت سوریه، تلاش برای تصفیه این کشور و استقلا، تروریستی و تکفیری و دخالت‌های غربی– عربی است.

جمهوری اسلامی

سر مقاله: «شکست راهبردی آمریکا در «ژنو۲»»

اجلاس «ژنو۲» در حالی بر گزار می‌شود که کارشناسان– شکست سیاست آمریکایی‌ها در سرتنگی حکومت بشار اسد، ناکامی عربستان در ایجاد یکپارچگی در میان گروه‌های معارض، سرخوردگی ترکیه از دشمنی با ملت سوریه و ناکامی قطر در سرمایه‌گذاری برروی تروریست‌های القاعده را از نشانه‌های شکست این مذاکرات می‌دانند.
پایان‌دادن به بحران سوریه نه بر اساس منطق اجلاس ژنو بلکه برپایه دو تصمیم عقلایی و جدی صورت خواهد گرفت که یکی قطع کمک‌های تسلیحاتی و مالی از تروریست‌ها و معارضین نظام سوریه است و دیگری واگذاری آینده سوریه به تصمیمات ملت این کشور و برگزاری انتخاب آزاد می‌باشد.

تاریخ

یادداشت: «زند هشداری که حادثهٔ جمهوری به صدا درآورد»؛ مهدی المایر

رویداد غبار آتش‌سوزی در خیابان جمهوری اسلامی و ناآرامی نیروهای امدادونجات در این حادثه، افزون بر اینکه سیلی از انتقادات را به سوی مسئولان سرازیر کرد، سوگمندها را از یک واقعیت بسیار نگران کننده نیز پرده برداشت و آن اینکه میزان آذگای شهر تهران در برابر حوادثی همچون سیل و زلزله و به سطحی بالاتر، میزان آذگای نیروهای امنیوت و تشک‌های نتاجی که هرگز به‌موقع نمی‌رسند، شاهد فرود مرگ‌آور چند انسان روی زمین خواهیم بود!!

شرق، مهسا جزینی:فعال انقلابی‌ای که ناشی با حسینیه ارشاد و «علی شریعتی» گره خورده بود دبروز درگذشت، «ناصر میناچی» وزیر «ارشادملی» دولت «بازرگان» که از مدت‌ها قبل دچار عارضه قلبی بود در ۸۲ سالگی با زندگی وداع کرد. او متولد ۱۳۱۰ تهران و تحصیلکرده رشته حقوق، از بنیانگذاران حسینیه ارشاد و یاران نزدیک «علی شریعتی» و«مهدی بازارگان» بود. او همچنین عضو جمعیت «دفاع از آزادی و حقوق بشر» بود که کمی پیش از انقلاب توسط بازارگان و یارانش تاسیس شد. «میناچی» در دولت موقت وزیر اطلاعات و تبلیغات (ارشاد) و سرپرست سازمان اوقاف شد و با استعفای دولت موقت از همه سمت‌های دولتی کناره‌گیری کرد، به «حسینیه ارشاد» بازگشت و تا آخر عمر مدیریت آن را عهده‌دار بود.

میناچی و حسینیه ارشاد

دوران جوانی و تحصیلش مقارن با ملی‌شدن صنعت نفت و کودتای ۲۸ مرداد بود، از همانجا به جبهه ملی پیوست و سال ۴۳ به‌همراه «محمد همایون» و «عبدالحسین علی‌آبادی» حسینیه ارشاد را تاسیس کرد. حسینیه محملی شد برای جمعی از شخصیت‌های مذهبی، ملی و انقلابی، از جمله «مرتضی مطهری» و «علی شریعتی». اولین کار چاپی حسینیه کتاب «محمد خاتم پیامبران» بود که مطهری قسمت هجرت تا وفات آن را به‌واسطه آشنایی‌ای که با «محمدتقی شریعتی» داشت، به پسر وی «علی شریعتی» سپرد. بعدها حضور «مطهری» در حسینیه کم‌رنگ‌تر شد و «علی شریعتی» پرنرنگ‌تر و از همین‌جا هم دوستی او و «میناچی» شکل گرفت. سرانجام در سال ۱۳۵۱ «ساواک» به دستور شاه، حسینیه را تعطیل کرد. حسینیه تا انقلاب بازگشایی نشد. پس از بازگشایی مجدد حسینیه ارشاد پس از انقلاب، میناچی، تنها فرد زنده از بین موسسان اولیه حسینیه بود که مدیریت آن را برعهده گرفت. میناچی به‌جز وقفه‌ای که به خاطر تصدی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در دولت موقت مهدی بازارگان پیش آمد، مدیریت حسینیه ارشاد را عهده‌دار بود.

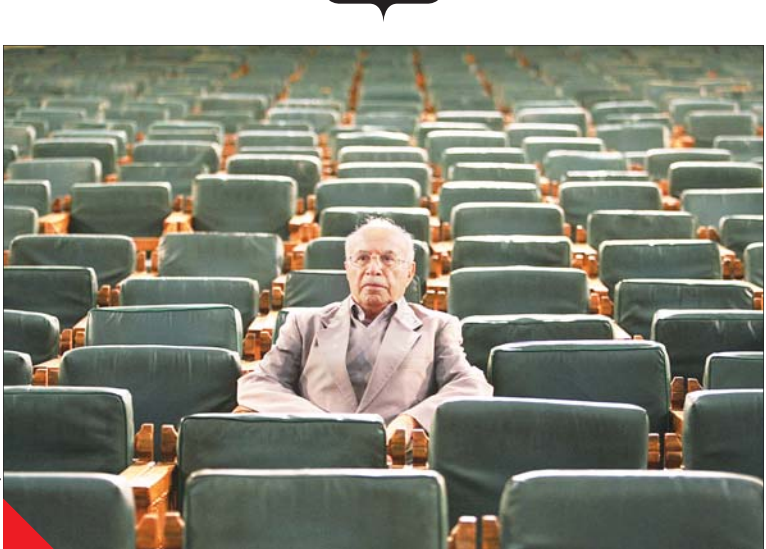
میناچی و شریعتی

سال ۸۶ همایشی با عنوان «شریعتی؛ دبروز، امروز، فردا» در سی‌امین یادمان دکتر علی شریعتی با حضور چهره‌های علمی و سیاسی در حسینیه ارشاد برگزار شد، «ناصر میناچی» در این مراسم از آخرین دیدار خود با شریعتی گفت. او که آن زمان در لندن بوده می‌گوید: «آن شب در اتاق کوچک زیر شیروانی با هم نشسته بودیم و از محتنها و غم‌های یکدیگر با هم گفت‌وگو می‌کردیم. این گفت‌وگو به‌قدری درنکات بود که من و مرحوم شریعتی با هم اشک می‌ریختم. شریعتی در آخرین شب زندگی‌اش از دوستانی که به‌ظاهر دوست اما درواقع دشمن بودند، صحبت کرد. وی از یکی از روزنامه‌ها که داشت که چرا برخی مقالات را به گونه‌ای چاپ کردند که القا‌شد، شسطر آزاد دکتر از زندان چاپ آن مقالات بوده است. حق دکترشریعتی این بود که امروز در ایران کنار مرقد مطهر امام‌رضا (ع) دفن شود اما این مساله که از وصایای ایشان است، هنوز محقق نشده و جای تاسف دارد.»

میناچی و پیش‌نویس قانون اساسی

نام «میناچی» یکبار دیگر هم به سرنوشت جمهوری اسلامی گره خورده است. وقتی قرار می‌شود

سیاست



عکس میناچ بنیانگذار حسینیه ارشاد

مینای «حسینیه» خاموش شد

ناصر میناچی، بنیانگذار حسینیه ارشاد در گذشت

جمعی حقوقدان پیش‌نویس قانون اساسی را بازنویسی کنند. «ناصر کاتوزیان»، «عبدالکریم لاهیجی»، «حسن حبیبی»، «محمدجعفر جعفری‌لنگرودی»، «ناصر میناچی» و «احمد صدرحاج‌سیدجوادی» مسوول شدند. قرار بر این بود که این گروه در حسینیه ارشاد هرروز جلساتی برگزار کند و در مدت حدود یک‌ماه این پیش‌نویس آماده شود. در این پیش‌نویس، نظام ایران برپایه حضور رییس‌جمهوری، نخست‌وزیر و پارلمانی به نام مجلس شورای ملی در نظر گرفته شد. شورای نگهبان قانون اساسی نیز در این پیش‌نویس وجود داشت اما شکل انتخاب حقوقدانان و فقها کاملاً متفاوت از شرایط فعلی بود و رسیدگی آنها به قوانین در موارد خاصی انجام می‌پذیرفت. «میناچی» در این خصوص گفته بود: «متن حبیبی مجموعه‌ای بود از مواد متفرقه که از قوانین فرانسه ترجمه شده بود و نمی‌توانست به‌عنوان یک قانون جامع مورد استفاده قرار گیرد و این قابلیت را نداشت که به‌عنوان متن قانون اساسی

یک کشور رایبه شود» اگرچه این پیش‌نویس در نهایت توسط مجلس خبرگان قانون اساسی کنار گذاشته شد و قانون اساسی فعلی به تصویب رسید»
میناچی، وزیر ارشاد ملی
با تشکیل دولت موقت «میناچی» هم به مهندس «بازرگان» پیوست و وزیر اطلاعات و تبلیغات و سرپرست اوقاف شد. همو بود که پیشنهاد داد نام وزارتخانه به «ارشاد ملی» تغییر کند. پیشنهادی که مقبول افتاد و وزارتخانه «اطلاعات و تبلیغات»، وزارتخانه «ارشاد ملی» تغییر نام داد. وزارتخانه اما در همان مدت کوتاه بسیار پر تنش اداره شد، تا جایی که تیرماه ۹۵، کوتاه مدتی قبل از استعفای دولت موقت گفته بود: «من نایبدم که وزیر شوم، هروقت بگویند بسروم می‌روم.»کابینه که استعفا داد دبیتعا «میناچی» هم از وزارت «ارشاد ملی» رفت اما پیش از آن ترکش دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا او را هم گرفت. در مصاحبه‌ای گفته بود که حاضر است

شهرداری اجازه دفن «میناچی» را در حسینیه ارشاد نداد

نامه «احمدی‌نژاد» کارگر نیتاد و اجازه خاکسپاری مرحوم «میناچی» در حسینیه ارشاد، داده نشد. «میناچی» که صبح روز گذشته درگذشت،هشت‌سال قبل در زمان شهرداری «محمود احمدی‌نژاد» در نامه‌ای خطاب به او در خواست کرده بود که اجازه دهد بعد از مرگ، در حسینیه ارشاد به خاک سپرده شود؛ حسینیه‌ای که او از بنیانگذارانش بود. «احمدی‌نژاد» هم در پاسخ نامه او با آرزوی عاقبت‌به‌خیری برای همه نوشته بود که این موضوع بلامانع است. اما غروب روز گذشته درحالی‌که تمهیدات خاکسپاری وی در حسینیه ارشاد مهیا شده بود و پیکر آن مرحوم در آمبولانس، مقابل در حسینیه ارشاد قرار داشت خودرو سد معبر با توقف مقابل در حسینیه ارشاد، مانع از ورود و خاکسپاری پیکر او شد. مخالف با خاکسپاری پیکر «میناچی» در حسینیه ارشاد از سوی شهرداری منطقه۴ درحالی‌صورت گرفت که شهردار منطقه۴ هم در محل حسینیه حاضر بود اما با وجود تلاش خانواده مرحوم میناچی برای عمل به وصیتنامه او، نتایج‌ای حاصل نشد و در نهایت، پیکر میناچی را به بهشت‌زها انتقال دادند، اگرچه برخی حاضران هم از احتمال خاکسپاری شبانه خبر دادند. دبروز همچنین گفته شد که بهشت‌زها مخالفتی با خاکسپاری او در حسینیه ارشاد نداشته است. «سوسن شریعتی» دبروز به خبرنگار ما گفت: «اواخر دولت «خاتمی» هم بحث انتقال جسد دکتر «شریعتی» به ایران مطرح شده بود اما س‌دلیل برای مخالفت خاکسپاری او در حسینیه مطرح شد؛احمدی‌نژاد دلائل سیاسی را مطرح کرد. دلیل دیگر، مسایل محیط‌زبستی بود و دلیل سوم، شرعی‌نبودن انتقال جسد بود که نمایندگان مجلس مطرح کردند.

میناچی؛ دغدغه‌دار دین و فرهنگ

نادرستی که در کشور ما وجود دارد – آن‌هم رقابت در چارچوبی است که هدف، وسیله را توجیه می‌کند– در رقابت‌های سیاسی، میناچی را هم در رقابتی دور از عقلانیت و فرهنگ در سیبل اتهامات گذاشتند تا کم‌کم نقش او را کم‌رنگ کنند. البته قصد نداریم در این مقاله گروهی را تظہیر کنیم چون کسی معصوم نیست اما نباید از نظر دور داشت که برخی برخوردهای افراطی سبب شد تا افراد تاثیرگذار در دایره حذف قرار گیرند. البته این برخوردهای افراطی همین حالا هم وجود دارد اما اگر تاریخ انقلاب را بررسی و مطالعه کنیم، می‌بینیم

هزارچندگاهی مخالفت‌هایی در برگزاری مراسم و کلاس‌ها وجود داشت. با این حال پروژه گسترش کتابخانه را دنبال می‌کرد. حسینیه ارشاد در حالی سال‌های اخیر موفق به اخذ مجوز برای برگزاری مراسم نمی‌شد که در این مکان، افرادی چون آیت‌الله

سوم، شرعی‌نبودن انتقال جسد بود که نمایندگان مجلس مطرح کردند.

حسینیه ارشاد، مکانی برای نواندیشی دینی

هم به یاد می‌آورد که در مورد این موضوع اطلاعات گسترده‌ای منتشر کرده و از همکاری‌اش می‌خواهد که از صفحات آن پرینت بگیرد.
همان حوالی روزهای فوت مهندس سحابی بود که به اتفاقات گسترده دیگری پیوسته؛ فوت «هاله» دختر مهندس و «هدی صابر»، سردبیر ایران فردا. روزهایی که میناچی و دیگر نزدیکان فکری‌اش داغدار بودند. حسینیه ارشاد پربرونق در سال‌های ۴۰ و ۵۰ و بعدتر در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ تنها به محلی تبدیل شد که انتخابات برخی انجمن‌ها و کاروان‌ها در آن انجام می‌شد که با برخی سخت‌گیری‌– آخرین انتخابات‌های انجمن صنفی روزنامه‌نگاران – پیش از پلمپ– هم در آن برگزار می‌شد. مراسم شب قدر و دعای عرفه هم از آن دست مراسم‌هایی بود که در سال‌های اخیر گاه برگزار و گاه لغو شد؛ آنچنان که حسینیه را به‌سمت سکوت پیش می‌برد.

همین موضوع نیز جزو انتقادهای مدیران حسینیه بود. «افسانه عطایی»، مدیر داخلی حسینیه ارشاد، چندی پیش به یک تاریخ از «شرق» گفته بود: «اگر به حسینیه اجازه داده شود، دوست داریم برنامه‌های متنوعی برگزار کنند، مثلاً مراسم مرگ ماندلا. واقعاً دوست داشتیم برایش بزرگداشتی بگیریم؛ همان‌طور که برای درگذشت پاپ ژان‌پل دوم مراسم گرفتیم و همه سفرا را هم دعوت کردیم یا برای عرقات مراسم گرفتیم.» توبخ حسینیه ارشاد به سرائ موضوع تدوین قانون اساسی محمد همایون، ناصر میناچی و عبدالحمین علی‌آبادی

درباره اسنادی که دانشجویان مدعی‌اش شده و دولت موقت و برخی افرادش را مورد اتهام قرار داده بودند گفت‌وگو و بلکه با دانشجویان مناظره کند. «میناچی» که از آنجه «اشاگاری» خوانده می‌شد، دلگیر بود، گفت: «خیلی حرف‌ها دارم که بزمن آن زمان که من جلم را کف دستم گرفتم در مبارزات اجتماعی سیاسی فعالیت می‌کردم اینها کجا بودند؟ من نگران خودم نیستم، نگران شخصیت‌های تاثیرگذار و مدبری هستم که می‌توانند خدمت کنند و به این ترتیب از میدان خارج می‌شوند.» «میناچی» همان زمان بازداشت و بعد از یک روز آزاد شد و در دادستانی با ارایه لایحه‌ای علیه دانشجویان اعلام جرم کرد؛ اعلام جرمی که البته هرگز به سرانجام نرسید. سال ۶۴ هم ابتدا پروانه و کالتش لغو شد اما دادستانی انقلاب حکم اولیه را لغو و پروانه‌اش را تایید کرد. زمانی که او عهده‌دار وزارت بود منتقدان بابت نحوه اداره کیش و به‌کارگماردن افراد ناسالم و اعطای مجوز برخی فیلم‌ها و کتب به میناچی و وزارتش ایراد گرفته بودند. جالب این بود که برخلاف تصور امروز ما و شاید همان زمان امور مربوط به عرصه فرهنگ و هنر (تولیدات ادبی و هنری) زیر مجموعه وزارتخانه تحت امر «میناچی» نبود و عهده‌دارش وزارت فرهنگ بود. همین گویا پاشنه آشیل وزارتخانه شده بود و وقتی انتقادات علیه دولت بازارگان اوج گرفت بخشی هم بابت سیاست‌گذاری و پروانه‌هایی بود که به فیلم‌ها داده می‌شد. از همانجا بود که میناچی در گفت‌وگویی اعلام کرد: «هنوز نفهمیداند که فیلم را وزارت فرهنگ هنر بررسی می‌کند و اجازه می‌دهد و به ارشاد ملی ربطی ندارد. ما دو هفته دیگر می‌رویم و مسوول بعدی می‌آید تا ببینیم چه معجزه‌ای می‌کند و چه کیمیاگری بااین تشکیلات خواهد کرد.» درباره کیش هم صحبت‌های جالبی کرده بود: «اینکه گفته شده افراد ناسالم به کار برده شده‌اند واقع است. قرار است کیش به مکان سالم توریستی طبق ضوابط اسلامی بدل شود.»

شاید کمتر کسی بداند که «میناچی» در همان زمان کوتاه وزارت خود طرح‌ها و ایده‌های جالبی در ارتباط با مطبوعات با خود به دولت برد؛ چیزی شب «قانون مطبوعات» در سال‌های بعد. بر اساس طرح «میناچی» قرار بود شورایی متشکل از صاحب‌نظران و اندیشمندان مختلف دست به تدوین قانون مطبوعات بزنند. این طرح اگر چه طبیعتاً کمی آرمانی بود و مانند بسیاری از ایده‌های آن زمان رنگ‌بویی انقلابی داشت اما طبق آنچه «میناچی» منظر داشت قرار بود وضعیت مطبوعات بهتر و سامان‌یافته‌تر شود. او در گفت‌وگویی با خبرنگاران سال ۵۷ گفته است: «این شورا باید نظر بدهند که روزنامه‌ها تابع چه شرایط اخلاقی انسانی‌ای باشند و ضوابط امتیاز نشریات را هم این گروه تعیین خواهند کرد و به‌جای «امتیاز»، «تصدیق‌نامه» داده می‌شود.» میناچی گفته بود: «در لایحه جدید مطبوعات حاکمشر آزادی برای مطبوعات پیش‌بینی شده است.» آن زمان وزارت ارشاد متولی امور جهانگردی هم بود برای همین «میناچی» طرحی هم برای خروج رز و ساماندهی سفرهای خارجی به شورای انقلاب تقدیم کرد. طبق این طرح فقط پنج گروه می‌توانستند از کشور خارج شوند و هر ایرانی هم در دوسال یکبار بهمدت سه‌ماه امکان خروج از کشور داشت؛ اگرچه، به نظر می‌رسد این طرح هیچ‌وقت به تصویب نرسید.

هاشمی‌فسنجانی، شهید مطهری، دکتربهشتی و بسیاری بزرگان در آن سخنرانی کرده‌اند. با تلاش میناچی مراسمی که در حسینیه ارشاد برگزار می‌شد با مراسم نکایای سنتی متفاوت بود و امکان شنیدن سخنرانی‌های متفاوت در آنجا وجود داشت. میناچی مفهوم درست «امام حسین بیشتر از آب، تشنه آزادگی بود» را در ک کرده بود و در همین جهت، تلاش می‌کرد. امیدوارم مردم همواره چهره درست او را به‌عنوان یک چهره دینی، مذهبی روشن‌فکر به یاد بیاورند و افرادی هم که پس از این، متولی حسینیه ارشاد هستند، ششی او را دنبال کنند تا حسینیه ارشاد وارد جنجال سیاسی نشود و از مشی جایگاه فکر و فرهنگ هم دور نباشد.

ناصر میناچی، بنیانگذار حسینیه ارشاد، در گذشت

هاشمی‌فسنجانی، شهید مطهری، دکتربهشتی و بسیاری بزرگان در آن سخنرانی کرده‌اند. با تلاش میناچی مراسمی که در حسینیه ارشاد برگزار می‌شد با مراسم نکایای سنتی متفاوت بود و امکان شنیدن سخنرانی‌های متفاوت در آنجا وجود داشت. میناچی مفهوم درست «امام حسین بیشتر از آب، تشنه آزادگی بود» را در ک کرده بود و در همین جهت، تلاش می‌کرد. امیدوارم مردم همواره چهره درست او را به‌عنوان یک چهره دینی، مذهبی روشن‌فکر به یاد بیاورند و افرادی هم که پس از این، متولی حسینیه ارشاد هستند، ششی او را دنبال کنند تا حسینیه ارشاد وارد جنجال سیاسی نشود و از مشی جایگاه فکر و فرهنگ هم دور نباشد.

ناصر میناچی، بنیانگذار حسینیه ارشاد، در گذشت

تأسیس شد. اگرچه حسینیه بیشتر به سخنرانی‌های دکترعلی شریعتی معروف شد اما شهیدمطهری نیز جزو سخنرانان این حسینیه بود و در جریان تشکیل این موسسه نیز نقش داشت. اما به‌دلیل اختلافاتی که بعدها بین مطهری و میناچی به‌وجود آمد، مطهری و دوستانشان حسینیه را در اواخر سال ۱۳۴۹ ترک کردند و ازاین‌بعد موسسه با سخنرانی‌های آتشین دکترشریعتی به راه خود ادامه داد. حجم سخنرانی‌ها تا سال ۵۱ که حسینیه تعطیل می‌شود، زیاد می‌شد اما به‌تافت معتادار؛ مطهری از سال ۴۸ تا ۴۹، ۶۴بار سخنرانی داشت و علی شریعتی ۲۴بار. این نسبت یکی، دو سال بعد یعنی سال‌های آخر فعالیت حسینیه پیش از تعطیلی کاملاً برعکس می‌شود. از سال ۵۰ تا ۵۱، علی شریعتی ۷۰بار، در حسینیه ارشاد سخنرانی می‌کند. اما سخنران‌های دیگری نیز از تریبون حسینیه با مشتاقان آن‌روزها ارتباط برقرار می‌کردند؛ محمدتقی شریعتی، ناصرالدین صاحب‌الزمانی، مرتضی شبرستی، اسماعیل رضوی، صدر بلاغی و عباس زیریاب‌خویی از دیگر سخنرانان آن‌سال‌های حسینیه‌اند. آیت‌الله خامنه‌ای، هاشمی‌فسنجانی، ابوالقاسم خزعلی، محمدجواد باهنر، مکرم شیرازی و خسروشاهی هم در آن سال‌ها در حسینیه ارشاد سخنرانی داشتند. خیلی زود حسینیه ارشاد به نقطه حساس ساواک و نظام‌هتاشاهی تبدیل شد تا آنکه سال ۱۳۵۱ ساواک به دستور شاه، حسینیه را تعطیل کرد و تعطیل ماند

مثلاً مخاطبان شاهد سخنرانی هاشمی‌فسنجانی در سال ۶۳ به‌مناسبت ۱۵خرداد بودند. سوی اینها، شب‌های قدر و مراسم احیای حسینیه ارشاد را کمتر کسی است که فراموش کند؛ حال‌وهوای خاصی داشت و سخنران‌اش خاص‌تر بودند و محتوای گفتارهایشان از فضای معمول رسمی مراسم‌های مشابه آن‌شب‌ها جدا بود و دانشجویان از مشرتیان ویژه‌اش بودند. کتابی با عنوان تاریخچه «حسینیه ارشاد» سال ۸۴ منتشر شده که سه بازگویی خاطرات، مجموعه‌ای از مصاحبه‌ها، دفاعیات و خاطرات ناصر میناچی پرداخته است. محوطه حسینیه ارشاد شب گذشته شاهد عزادارانی بود که نهنتها به‌خاطر نزدیکی اعتقادی با میناچی دور هم جمع شدند بلکه کسانی بودند که برای «تفکر» ارزش قایل بودند. ناصر میناچی قصد داشت در حسینیه ارشاد درهای نواندیشی دینی را به‌سوی جامعه باز کند.

یادمان

حسینیه ارشاد نهاد فرهنگی تأثیر گذار

حسین بنی‌اسدی

● مرحوم میناچی پس از انقلاب، وزیر اطلاعات و جهانگردی دولت موقت بودند. آن زمان صداسوسیا هم، زیر نظر این وزارتخانه بود و مدیریت این سازمان، برعهده صادق قطب‌زاده بود. به اعتقاد من یکی از مسایلی که باعث تضعیف دولت موقت شد، عملکرد صداسوسیا در آن زمان بود. در سال‌های بعد از دولت موقت و درگذشت مهندس بازارگان، آقای میناچی همکاری زیادی با بنیاد فرهنگی بازارگان و نهضت آزادی داشت و هر سال ۲۰دی مراسم بزرگداشت مهندس بازارگان را با کمک دیگر دوستان برگزار می‌کرد. آقای میناچی در طول دوران فعالیتش در موارد مختلف گروه‌های ملی – مذهبی را برای فعالیت‌های مختلف به‌عنوان مثال در برگزاری جلساتشان کمک می‌کرد. باید گفت مرحوم میناچی همواره در طول حیاتش به نقد فرهنگ کشور کمک کرد. درواقع حسینیه ارشاد جایی و محلی بود که نیروهای فعال در اصطلاح فرهنگی کشور فعالیت می‌کردند و جلسات مختلفی را در حسینیه ارشاد برگزار می‌کردند. «خلفیات و فرهنگ ایرانیان» موضوع یکی از این جلسات بود که به کرات برگزار شد و در قالب یک کتاب گردآوری شد. شادروان هدی صابر کلاس‌هایی در حسینیه ارشاد داشت که تفسیر قرآن به زبان جدید بود. مثنوی‌خوانی، کلاس‌های مهندسی مسایل ایران و اسلام که برگزار می‌شد از آن دست بود و تمام این کلاس‌ها طرفداران بسیاری داشت. باید بگویم در تمام دورانی که آقای میناچی، مسوولیت اداره حسینیه ارشاد را برعهده داشتند، این حسینیه همواره مکانی بود برای افرادی که به دکترعلی شریعتی و تفکر مدرن و اسلام از نگاه او علاقه‌مند بودند و به آنجا می‌آمدند. البته به‌دختن به تفکر شریعتی چندان جدی انتضاق نمی‌فانند چون بعد از انقلاب کمی این تفکر تعدیل شده، اما کسانی که شریعتی را یک فرد متدین و اندیشمند می‌شناختند، سعی می‌کردند این تفکر را در حسینیه ارشاد دنبال کنند. به‌نظر من مهم‌ترین موضوع درباره مهندس میناچی این است که ایشان در تمام این مدت نسبت به حفظ حسینیه ارشاد به‌عنوان یک نهاد فرهنگی مهم و تاثیرگذار بسیار کوشا بود. او تلاش کرد در تمام طول این دوران حسینیه ارشاد به دست افرادی نیتند که شایستگی اداره آن را نداشته‌ند. هر چند یک زمانی حسینیه ارشاد کیفیت خود را از دست داد اما همچنان میناچی تلاش کرد تا این مرکز فرهنگی با قوت، بار جا بماند.

«وزیر مشاور در امور اجرایی دولت موقت

روزنه

پیام تسلیت خانواده و بنیاد شریعتی

● در پی درگذشت ناصر میناچی خانواده دکتر علی شریعتی پیام تسلیتی منتشر کردندکه به شرح زیر است:
دکتر ناصر میناچی، از بنیانگذاران حسینیه ارشاد و یاران وفادار دکتر علی شریعتی و از حقوقدانان مبرز تهیه‌کننده پیش‌نویس قانون اساسی دوران انقلاب و وزیر ارشاد ملی در دولت موقت زنده‌یاد بازارگان، صبح روز شنبه در پی تحمل دوران بیماری، از میان ما رفت. دکتر میناچی در زمان فعالیت دکتر شریعتی در حسینیه ارشاد (که از ۱۳۴۳ توسط زنده‌یادان محمد همایون، ع. علی‌آبادی و میناچی با هدف فعالیت روشنگرانه دینی تأسیس شده بود)، با حمایت خود از آن معلم، در اوج جوسازی تبلیغاتی شش‌رومن مذهبی و مسوولان نظام سیاسی گذشته نقش ارزنده‌ای در تاریخ حیات نواندیشی اسلامی ایفا کرد و به‌این‌سان، نهاد حسینیه به نهضت ارشاد تبدیل شد و آن ساختمان به جنبش سراسری خانه‌های مردم. از بی تعطیلی ارشاد از سوسی سواک در ۱۳۵۱، وی مدیریت این موسسه را، که در دوران انقلاب بازگشایی شد، تاکنون برعهده داشت و توانست با پشتکار خود استقلال و استمرار این نهاد را حفظ و تضمین کند. زنده‌یادمیناچی وصیت کرد بود تا در صحن حسینیه ارشاد دفن شود و برای انتقال مزار دکترشریعتی به ارشاد نیز جایگاه و یادملی بنانهاده و تدارک دیده بود. خانواده و بنیاد فرهنگی دکترعلی شریعتی فدان ایشان را با بازماندگان، خانواده محترم و دوستان همفکر، تسلیت می‌گوید و برای علو درجه و آرامش روح او از خدای متعال طلب مغفرت و آمرزش می‌کند.

ادامه از صفحه اول

پنجره‌ها را بگشایید

به‌گونه‌ای که به حضور در صحنه مردم برای جدال با اهریمن تخریب منجر شود. مردمی با دیرینه تاریخی دفاع از حریم و سرزمین خود، با هم حماسه خواهند آفرید. حساسه‌ای نه‌تنه‌برای پیکار با دشمن خارجی که این‌بار آنان ناگزیرند از هیأتی نفس خود برای آنگذنان هزینه‌کنند که البته خواهند کرد. برای اینکه سازمان بوروکراسی‌ده حفظ محیط‌زست به این مهم دست یابد ناگزیر باید خود و همکاری‌انش را از هزارتوی پیچیده دیوانسالاری برهاند و تشکیلی ۵۰۰میلیون عضو تدارک ببیند. سازمانی که هر عضو، بالقوه خودفرماندهی فرامبردار است. شاید اولین گام‌میرم در این راه دشوار امکان مدیریت یک شبکه پر مخاطب تلویزیونی برای سازمان حفاظت محیط‌زست کشور است؛ شبکه‌ای که نیاز زیادی به مجری‌های خوش‌سخن ندارد. کافی است که دوربین بی‌صدای این شبکه عرصه‌های ناپوشده شمال کشور و از جنگل ابرشاهور تا گرگ‌نهد حیران واز دشت ماهیدشت کرمانشاه تا مراب گلخونی و از اراضی به‌تارگی‌شورده زیر سد گتوند و… را به نمایش بگذارد؛ باور کنیم لشکر پرشمار مردم با تمامی هستی‌اش این‌بار هم به کارزار با اهریمن خواهد پرداخت به‌شروط آنکه مدیران فعلی پنجره‌های نیمه‌ازشان را روی آنان بگشایند.